

**صنعتکاران:**  
**واژه پهلوانی**  
**بزرگنده شخصیت**  
**او بود**

غلامرضا تختی در روز پنجم شهریور ماه ۱۳۰۹ در خانواده‌ای متوسط و مذهبی در محله خانی آباد تهران به دنیا آمد. رجب خان (پدر تختی) غیر از وی ۲ پسر و ۲ دختر دیگر نیز داشت که همه آنها از غلامرضا بزرگتر بودند. «حاج قلی» پدر بزرگ غلامرضا، فروشنده خوار و بار و بنشن بود. از قول رجب خان، تعریف می‌کنند که حاج قلی در دکانش بر روی تخت بلندی می‌نشست و به همین سبب در میان اهالی خانی آباد به حاج قلی تختی شهرت یافته بود. همین نام بعدها به خانواده‌های رجب خان منتقل شد و به «نام خانوادگی» تبدیل شد. رجب خان با پولی که از ماترک پدرش به دست آورده بود، در محل سابق اتاب راه‌آهن زمینی خریده و یک پنجخال طبیعی احداث کرده بود و از همین راه، مخارج زندگی خانواده پرجمعیت خود را تأمین می‌کرد.

نخستین واقعه‌ای که در کودکی غلامرضا روی داد و ضربه‌ای بزرگ و فراموش نشدنی بر روح او وارد کرد، آن بود که مرحوم پدرش برای تأمین معاش خانواده ناچار شد خانه مسکونی خود را گرو بگذارد. تختی سالها بعد در آخرین مصاحبه خود با یادآوری این ماجرای تلخ می‌گوید: «یک روز طلبکاران به خانه ما آمدند و اثاثیه خانه و ساکتینش را به کوچره ریختند، ما مجبور شدیم که ۲ شب را نوبی کوچه بخوابیم. شب سوم اثاثیه را بریدیم به خانه همسایه‌ها و ۲ اتاق اجازه کردیم. چندی بعد روزگار، عرصه را بیشتر برای پدرم تنگ کرد تا این که مجبور شد پنجخال طبیعی‌اش را نیز بفروشد. این حوادث تأثیر فراوانی در روحیه پدرم گذاشت و باعث اختلال روحی او در سالهای آخر عمر شد.»

در چنان شرایطی، غلامرضا تنها ۹سال به تحصیل پرداخت. وی خود می‌گوید: «مدت ۸سال در دبستان و دبیرستان منوچهری که در همان خانی آباد قرار داشت، درس خواندم، اما تنها خاطره‌ای که از دوران تحصیل به یاد دارم، این است که هیچ‌وقت شاگرد اول نشدم، اما زندگی در میان مردم و برای مردم درسهای به من آموخت که فکر می‌کنم هرگز نمی‌توانستم در معتزترین دانشگاهها کسب کنم. زندگی همچنین به من آموخت که مردم را دوست بدارم و تا آنجا که در حد توانایی من است، به آنان کمک کنم. حال، این کمک از چه طریقی و از چه راهی باشد، مهم نیست. هر کس به قدر توانایش…»

غلامرضا، ورزش را از نوجوانی آغاز کرد. ورزش ابتدا برای او نوعی تفنن و سرگرمی بود. در همان اوان، دیخال قهرمان شدن، مدنی او را به سویسه انداخت اما از همان نوجوانی که تازه به فکر باشگاه رفتن افتاده بود، اعتقاد داشت که ورزش برای تندرستی و سلامت جان و تن هر دو لازم است.

شادروان تختی در مصاحبه‌ای با اشاره به فقر و مشقت زمان نوجوانی‌اش می‌گوید: «با آن که علاقه‌ی فراوانی به ورزش داشتم، مجبور بودم که در جستجوی کاری برآیم. زندگی، نان و آب، لازم داشت. برای مدتی به خوزستان رتم و در ازای روزی ۷ یا ۸ تومان، کار کردم. دنیا در حال جنگ (جنگ جهانی دوم) بود، زندگی به سختی می‌گذشت.»

آشنایی حقیقتی تختی با ورزش و کشتی در باشگاه «پولاد» آغاز شد. وی که پیش از این گودها و

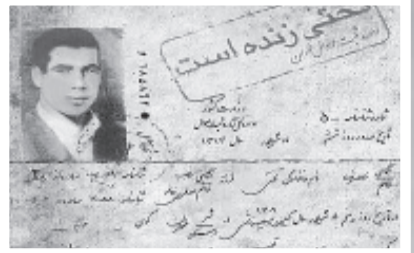


زورخانه‌های فراوانی دیده بود و شیفته تماشع و افتادگی پهلوانانی کشتی و ورزشی باستانی شده بود، برای نخستین بار در سال هزار و سیصد و سی و نه به باشگاه پولاد (واقع در خیابان شاپور سابق) رفت و به دلیل علاقه و استعداد وافری که نسبت به کشتی نشان داد مورد توجه مرحوم «حسین رضی زاده» مدیر آن باشگاه قرار گرفت.

تختی، خود می‌گوید: «رضی خان آدم خوبی بود، اگر کسی را نشان می‌کرد و می‌دید که استعداد کشتی دارد، دست از سرش بر نمی‌داشت. در گرمای تابستان لخت می‌شدم و هر روز از ساعت دو بعد از ظهر تا چندین ساعت کشتی می‌گرفتم، از دوش آب گرم و حمام خیری نبود. کشتی گیران برای وزن کم کردن، به خزینه می‌رفتند تشکهای کشتی را با پنبه پر می‌کردند، اما خاک و خاشاک آن، بیش از پنبه بود.»

تختی که پس از بازگشت از خوزستان (مسجد سلیمان) روانه خدمت سربازی شده بود، در ۱۷ شنبه دی چهل ویکمین سالگرد درگذشت جهان پهلوان غلامرضا تختی است. انسانی که پهلوانی را معنا کرد و پوریای ولی زمانه شد. «هیچ چیز نمی‌تواند مرا خوشحال کند؛ پول، مدال طلا، عشق و حتی عشق… نسبت به این مردمی که به فرودگاه آمده‌اند، احساس شرمندگی می‌کنم. راستی چقدر محبت بده‌کارم؟! من چرا باید کشتی بگیرم؟ چرا باید همراه تیم مسافرت کنم تا سبب این همه مراجعت باشم؟ اگر پاسخ به این پرسش‌را می‌دانستم، من هم می‌توانستم ادعا کنم چون دیگران هستم… وقتی کسی نداند چه عاملی سبب

محمد علی صنعتکاران در خصوص جهان پهلوان تختی گفت: شخصیت وجودی برانزنده دارا بودن واژه «پهلوان» است. وی در ادامه افزود، به نظر من پهلوان کسی است که علاوه بر کسب عناون قهرمانی، اخلاق حسنه نیز داشته باشد که در این میان تختی در کنار واژه «پهلوان»، زندگی کرد و با برخورداری از مدهالهای فراوان و خصوصاً اخلاق حسنه، جهان پهلوانی شد که هنوز نام آن تازه است. صنعتکاران در خاتمه گفت: پرورش پهلوان به تربیت خانوادگی بستگی دارد اما خود ورزش نیز به انسان غرور و ارزش می‌دهد و اجازه نمی‌هد که دست به خط بزن. این موضوع به فرهنگ جامعه و تربیت خانوادگی بستگی دارد که در محیط‌های اردویی نیز باید با کشتی‌گیر طوری برخورد کرد تا روحیه پهلوانی در ورزشکار شکل گیرد.



سربازخانه با استفاده از فرصت‌ها و توجهات فراهم شده، به ویژه تشویق و حمایت دبیر وقت فدراسیون کشتی که در دژیان ارزش فعالیت داشت، تمرینات کشتی خود را بار دیگر آغاز کرد. تختی خود در این باره می‌گوید:

«وقتی در سال ۱۳۲۸ در مسابقه بزرگ ورزشی (کاپ فرانسه) شرکت کردم، در همان اولین دوره ضربه فنی شدم. اما تمرینهای جدی و سختی که در پیش گرفتم، مرد یاری کرد تا حقیقت مبارزه را درک کنم؛ اگر چه شور پیروزی در سر داشتم، اما کار و کوشش را سرافراز پیروزی می‌دانستم.»

به این ترتیب تختی با تمرین و پشتکار مثال زدنی رفته رفته خود را از میان بازنده‌ها بیرون کشید و سرانجام در سال هزار و سیصد و سی در وزن هفتاد و نه کیلوگرم به عضویت تیم ملی درآمد. وی در نخستین دوره مسابقه‌های کشتی آزاد قهرمانی جهان (هلستیک، ۱۹۵۱) با وجود آن که هنوز ۲۱سال داشت، نایب قهرمان جهان شد. درخشش خیره‌کننده تختی در رقابتهای کشتی هلستیک که در نخستین حضور او در مسابقه‌های قهرمانی جهان و در فاصله کمتر از ۲ سال از ورودش به میداین ورزشی داخلی اتفاق افتاد، بیش از هرچیز نمایانگر ایمان و تلاش و اراده کم نظیر تختی و همچنین استعداد و مهارت فوق العاده او در زمینه کشتی بود.

گفتنی است در اولین دوره مسابقات قهرمانی

کشتی آزاد جهان که از لحاظ تاریخی میدان معتبر و تعیین‌کننده‌ای برای کشتی ایران و جهان بود، تیم ملی کشتی آزاد ایران با ترکیب کامل و در هر ۸ وزن آن زمان حضور پیدا کرد و با کسب ۲ نشان نقره (محمود ملاقاسمی و غلامرضا تختی) و ۲ نشان برنز (عبدالله منجویی و مهدی یعقوبی) در نتیجه‌ای درخشان و قابل تصور پس از تیمهای ملی ترکیه و سوئد عنوان سوم



# خورشید خاموش

تیم ملی کشتی آزاد جهان در این مسابقات در وزن ۸۷ کیلوگرم به مصاف حریفان رفته بود با حضوری مقتدرانه آخرین مدال طلای خود را به گردن آویخت و در مهر ماه سال سی و هشت (هزار و نهصد و پنجاه و نه) در چهارمین دوره مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان که در تهران برگزار شد سومین عنوان قهرمانی جهان خود را کسب کرد.

«بوریس کولایف» از شوروی تنها در وزن خود نیز از تجربه خوبی برخوردار بودند. در وزن‌های المپیک ملیون (استرالیا) که در آژماه ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) برگزار شد تختی یک بار دیگر در وزن هفتم (۸۷ کیلوگرم) به مصاف رقیبایی از شوروی، آمریکا، ژاپن آفریقای جنوبی، کانادا و استرالیا رفت و با شکست تمامی حریفان اولین نشان

سی و هفت نیز این عنوان را تکرار کرد. جهان پهلوان تختی در سال ۱۹۵۸ در بازیهای آسیایی توکیوو مسابقات قهرمانی جهان در صوفیه به ترتیب نشانهای طلا و نقره این رقابتها را به گردن آویخت و در مهر ماه سال سی و هشت (هزار و نهصد و پنجاه و نه) در چهارمین دوره مسابقات کشتی آزاد قهرمانی جهان که در تهران برگزار شد سومین عنوان قهرمانی جهان خود را کسب کرد.

تیم ملی ایران اگرچه نتوانست مقام قهرمانی خود را در این مسابقات حفظ کند اما کسب مقام سوم جهان نیز با توجه به کارشکنیها و ناداوروییایی که در حق تختی و سایر کشتی‌گیران ایران روا شد نتیجه قابل قبولی تلقی می‌شود. جهان پهلوان تختی در این مسابقات با حضور مقتدرانه مقابل «وان براند» آلمانی، «مروید»



با اکتفا به ۲ مدال طلای غلامرضا تختی و امامعلی حبیبی و وجود برخوردی از امتیاز میزبانی در حفظ عنوان سومی سالهای قبل نیز ناموفق بود در هفدمین دوره بازیهای المپیک (ایتالیا، هزار و نهصد و شصت) تا مکان پنجم رده بندی سقوط کرد. تختی کاپیتان تیم ملی و پر تجربه ترین کشتی‌گیر ایران که در این رقابتها در وزن هفتم به میدان رفته بود، پس از پیروزی در پنج دیدار با در مسابقه نهایی با قبول شکست مقابل «مصمت آتلی» از ترکیه به گردن آویز نقره دست یافت.

مسابقه‌های قهرمانی جهان در یوکوهامای ژاپن میدانی فراموش نشدنی برای کشتی ایران بود. تیم ملی کشتی آزاد کشورمان پس از حضور در ۸دوره مسابقات المپیک و جام جهانی در رقابتهای جهانی ۱۹۵۹ ژاپن، بر افتخارترین حضور خود در تاریخ کشتی را رقم زد و با دریافت پنج نشان طلا، یک نشان نقره، یک نشان برنز و یک عنوان پنجمی به مقام

شرکت کرد که از بیماری خطرناکی رنج می‌برد با این حال عشق به ملت ایران او را به مصاف با بزرگترین قهرمانان جهان کشاند. شدت بیماری تختی به حدی بود که پس از دیدار فینال سرعاط به نیویورک منتقل و روز بعد در بیمارستان بزرگ نیویورک تحت عمل جراحی قرار گرفت. در فاصله سالهای هزار و نهصد و شصت و دو تا هزار و نهصد و شصت و شش، جهان پهلوان تختی با وجود سن بالا همچنان عضو تیم ملی ایران بود. اما تنها در بازیهای المپیک هزار و نهصد و شصت و چهار توکیو شرکت کرد که در این دیدار با بد اقبالی از کسب چهارمین نشان المپیک خود بازماند و به عنوان چهارمی جهان اکتفا کرد. البته جانشینان تختی در مسابقات جهانی صوفیه



(هزار و نهصد و شصت و سه) و منجستر (هزار و نهصد و شصت و پنج) از دریافت حتی یک امتیاز در وزن هفتم ناموفق بودند، امر این در کنار عشق وافری که ملت ایران به جهان پهلوان داشتند، موجی از درخواستهای مردمی و مطبوعاتی برای حضور مجدد تختی در رقابتهای جهانی را برانگیخته بود. پهلوان سی و شش ساله ایران با وجود عدم آمادگی کافی و گلشن از مرزبازنستگی شرکت در مسابقه های جهانی هزار و نهصد و شصت و شصت و شش (تیرماه هزار و سیصد و چهل و پنج) تولیدو را پذیرفت. تختی در مسابقات انتخابی مسابقات جهانی هزار و نهصد و شصت و شش از نظر نتایج فنی و پیروزی با ضربه فنی، بهترین جهره شناخته شده و به عنوان بهترین کشتی‌گیر وزن هفتم ایران راهی آمریکا شده بود یا این حدی کارشکنیها و برخوردهای سوئی که از سوی برخی افراد و مقامات نسبت به او روا می‌شد روحیه او را تضعیف کرده بود.

## روزی که پهلوان گریست

مرز پهلوانی گذشت و بزرگواری و جوانمردی را تفسیر کرد. پهلوانی که مدال طلای جهان و المپیک را نخواست تا جوانمردی را معنا کند. آن روز ستاره‌ها به پیشباز پهلوان آمدند. آن روز پهلوان از آسمان معرفت ستاره‌های مهر و محبت و عاطفه چید. آن روز پهلوان عشق را به این ستاره بیوند زد و آن را به مردمی که دوستشان می‌داشت هدیه کرد. آن روز آسمان مرگ مردترین مرد ورزش را به چشم دید و پیش آمد. دامنه آن موج به ناصر خسرو، باچنار و سیزه میدون محدود نشد. همه جا را در نور دید. صخره‌های سنگدلی و بی‌تفاوتی را خرد کرد و در یک

نقطه متمرکز شد «بویین زهرا». بویین زهرا در آن زمستان سرد، سبز شد و آن روز آن تاپلوی سبز بر شناسنامه پهلوان مهر سبز جاودانگی زد. آن روز خورشید خاموش ماند. آن روز آسمان اشک حسرت ریخت. زمین لرزید. لاله لب فروست و شقایق فسرد. آن روز خورشید به تماشای آخرین تابوت مردانگی نشست و از خجالت سربلند نکرد. آن روز آسمان مرگ مردترین مرد ورزش را به چشم دید و گریست. آن روز تختی نه بر دوش هزاران مشتاق سینه سوخته که بر بال ملانک به ابدیت پرواز کرد و در این بابویه آرام گرفت.

## ورزشی ۲

<span></span>	<span></span>
<b>ساعات شرعی به آفق تهران</b>	
اذان ظهر:	۱۲/۱۰
غروب آفتاب:	۱۷/۰۵
اذان مغرب:	۱۷/۲۵
صبح‌آذان مسجد فواد:	۰۵/۴۵
صبح طلوع آفتاب فواد:	۰۷/۱۵
<b>نشانی:</b> تهران – خیابان شهید بهشتی – خیابان قائم مقام فراهانی – خیابان شهید میرزا حسنی – پلاک ۸	
<b>تلفن:</b> ۴ الی ۰۸۳۴۰-۸۸۷۰-۰۴-۸۸۷۰۰۸۰۴	
<b>فاکس:</b> ۰۰۸۲۷-۸۸۷۰	
<b>تلفن سازمان آگهی‌ها:</b>	
<b>۰۰۷۹۵-۸۸۷۰-۰۷۸۴-۸۸۷۰</b>	
<b>۰۰۸۷۵۲-۸۸۷۰</b>	
<b>www.abrarnews.com</b>	
<b>varzeshi-abrar@yahoo.com</b>	

<b>بضاعت‌های معروف شاغلام</b>	<b>شوخی لیست</b>
گاهی اوقات مریبان و بازیکنان تحت هر شرایطی مصاحبه‌های کلیشه‌ای انجام می‌دهند. مثلاً طرف بعد از شکست میلان هم می‌گوید بازی خوبی بود و ما مقابل حریف شانس زیادی برای گلزنی داشتیم و بعد این جمله را مقابل شموشک هم مطرح می‌کند. یکی از این مریبان غلامحسین پیروانی است که همیشه یک جمله معروف دارد و آن هم این است که بضاعت فوتبالی ما همین است.	
امیدواریم مسئولان کمیته المپیک فدراسیون فوتبال آتقدر تسهیلات و امکانات در اختیار شاغلام، سرمربی تیم امید قرار دهند که اگر زیانمان لال، تیم امید باخت ایشان بضاعت تیم امید را دلیل شکست ندانند.	
<b>نیش فروش</b>	
<b>حرف مردم</b>	
<b>آقای گلی برهانی</b>	
با گلی که برهانی مقابل مس به ثمر رساند ثابت کرد که می‌تواند آقای گل شود. آقرین به آرش.	
<b>طهماسبی – کرمان</b>	
<b>بر سر پرسپولیس چه آمده؟</b>	
چرا پرسپولیس به این روز افتاده است؟ نیم ما در بازی دیروز اصلاً نتوانست انتظارات را برآورده کند. چرا کسی به فکر دل هواداران نیست؟	
<b>محمودی – بابلسر</b>	

### مروری برافتخارات جهان پهلوان تختی

کشتی ایران که ازجمله پرازوازه های این رشته در دنیا است به فرزندان صالحی همچون غلامرضایتختی که درعرصه موفقیت و البته جوانمردی نمونه هستند به خود می‌بالد.

درآستانه سالگرد «جهان پهلوان تختی» مروری داریم بر افتخارآفرینیهای بزرگمرد تاریخ کشتی کشورمان که در ذیل می‌خوانید:

- مسابقات جهانی هلستیکي فنلاند ۱۹۵۱ . . . . . (مدال نقره)
- بازیهای المپیک هلستیکي فنلاند ۱۹۵۲ . . . . . (مدال نقره)
- مسابقات جهانی ورشولهستان ۱۹۵۳ . . . . . (مدال نقره)
- مسابقات جهانی توکیو ژاپن ۱۹۵۴ . . . . . (مقام چهارم)
- بازیهای المپیک ملیون استرالیا ۱۹۵۶ . . . . . (مدال طلا)
- مسابقات جهانی صوفیه بلغارستان ۱۹۵۸ . . . . . (مدال نقره)
- بازیهای آسیایی توکیو ژاپن ۱۹۵۸ . . . . . (مدال طلا)
- مسابقات جهانی تهران ایران ۱۹۵۹ . . . . . (مدال طلا)
- بازیهای المپیک رم ایتالیا ۱۹۶۰ . . . . . (مدال نقره)
- مسابقات جهانی یوکوهاما ژاپن ۱۹۶۱ . . . . . (مدال طلا)
- مسابقات جهانی تولیدو آمریکا ۱۹۶۲ . . . . . (مدال نقره)
- بازیهای المپیک توکیو ژاپن۱۹۶۴ . . . . . (مقام چهارم)

### دبیر: مردانگی و جوانمردی

### از ویژگیهای بارز ایشان بود

«علیرضا دبیر» قهرمان اسبق کشتی المپیک وجهان در مورد مرحوم آقا تختی گفت: من بسیار کوچکتر از آن هستم که بخوام در مورد آقا تختی صحبت کنم اما فقط می‌توانم بگویم که مردانگی و جوانمردی از ویژگیهای بارز ایشان بوده است. وی در ادامه افزود: من که آقا تختی را ندیده‌ام اما وصف و ذکرخبر ایشان را زیاد شنیده‌ام. پدرم افتخار بچه محلی با مرحوم تختی را داشته و از کودکی برای من خاطرات زیادی از ایشان نقل می‌کرد. مسلماً و صد در صد آقا تختی آدم بزرگی بوده که خدا بعد از رفتنش و مرگش هم او را اینقدر بلند مرتبه و بزرگ کرده و انسان خوبی بوده چون که خداوند بزرگ همه را بزرگی و عزت نمی‌بخشد. دبیر اضافه کرد: به نظر من تختی فقط متعلق به کشتی نیست و در فرهنگ ما نهادینه شده است و یک چهره عام و خاص مردمی است. بودن تختی در فرهنگ کشور را باید به فال نیک گرفت و می‌توانم بگویم مرحوم آقا تختی، پهلوان ما بوده و همیشه خواهد ماند. قهرمان اسبق کشتی المپیک وجهان در خاتمه اظهار داشت : من به عنوان یک کشتی‌گیر خوشحالم که مرحوم تختی از جامعه کشتی است و همواره ایشان به عنوان الگو مطرح بوده و ما باید از منش و کردار تختی درس بگیریم و سعی کنیم به‌طور واقعی و حقیقی آن‌را عملی کنیم.

